

پژوهشی نو

درباره روابط ایران با بیگانگان

در سده دوازدهم هجری

پیشگام علم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
بسم

مهدی روشن ضمیر

(دکتر در خاور شناسی)



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در دو شماره از شماره های پمشین^۱ ، مقاله نفیسی زیر عنوان « روابط ایران و هلند در زمان صفویه » بقلم آقای دکتر خانباباییان استاد دانشگاه تهران انتشار یافت که تحقیقی تازه درباره روابط دودولت ایران و هلند و مستند بر اسناد آرشیوی بخصوص آرشیو دولتی کشور پادشاهی هلند بود .

با سابقه ممتد و احاطه عمیقی که آقای دکتر بیانی بر تاریخ دوره صفوی دارند و کتاب نفیس ایشان که در همین زمینه وزیر عنوان « روابط ایران با اروپای غربی در دوره صفویه » بزبان فرانسه در پاریس بچاپ رسیده و مورد استناد خاورشناسان است^۲ البته انتظار چنین مقاله ای هم از ایشان میرفت و مجله بررسیهای تاریخی خود از انتشار آن مقاله ارزنده بسیار راضی و خشنود است .

اما چون مقاله آقای دکتر بیانی تنها هر بوط بدوران صفوی است و بسالطبع در آن مقاله و همچنین در کتاب تألیفی ایشان از روابط ایران و هلند بعد از صفویه گفتگویی نشده است مجله بررسیهای تاریخی بی همناسبت ندید مقاله ای را که آقای دکتر مهدی روشن ضمیر در باره روابط ایران و هلند بعد از دوره صفوی نوشته اند و دنباله مقاله آقای دکتر بیانی است برای مزید اطلاع خوانندگان در این شماره بچاپ رساند .

بررسی های تاریخی

۱ - شماره ۶ سال پنجم و شماره ۲ سال ششم .

۲ - رجوع کنید به کتاب « مقدمه ای بر تاریخ شرق دوره اسلامی » تألیف کلود-کاهن Claud Cahen که مضمون آن بعد از يك مقدمه جامع در باره اقسام منابع تحقیق ، عبارتست از معرفی مدارك و منابع هر دوره و از کتاب آقای دکتر بیانی با تفصیلی بسیار در ضمن مدارك دوره صفوی یاد شده است .



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشی نو درباره روابط ایران با بیگانگان در سده دوازدهم هجری

هلند

نفوذ هلندی‌ها در خلیج
فارس و گشایش بـاب تجارت
آنان با ایران را بسایستی از
زمانی دانست که انگلیسی‌ها
برای سرکوبی پرتغالی‌ها با
آنان همدست شدند. زمانی که
پرتغالیها در اثر شکست‌های پی
در پی خلیج فارس را ترک نمودند
هلندی‌ها نهایت کوشش خود را
برای بدست آوردن پروانه
بازرگانی و بازاریابی در ایران
بعمل آوردند.

بقلم

مه‌دی روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)

« استادیار دانشگاه اصفهان »

در سال ۱۶۲۳ میلادی
(۱۰۳۳ هجری) نماینده دولت
هلند بنام هوبـرت ویس‌نیچ
Hubert Visnich به اصفهان
آمده و فرمائی از شاه‌عباس

گرفت که بموجب آن کارخانه‌ای در بندر عباس بنا گردید.

مرکز نمایندگی شرکت هلندی‌ها در اصفهان نزدیک میدان شاه در عمارت بزرگی بود که تعلق به شخصی موسوم به علی بیگ میرزا داشته است و شاه عباس به سببی او را کشته و آن خانه را بنمایند هلندی‌ها داده بود.^۱ بازرگانی هلندی‌ها از این پس در ایران رو به توسعه نهاد بطوریکه بگفته شاردن قسمت عمده تجارت ایران در دست آنان بود و انگلیس‌ها در درجه دوم قرار داشتند. اساس عمده نفوذ تجار تی هلندی‌ها بسبب عهد نامه بازرگانی بود که برای خرید ابریشم ایران بسته بودند.^۲

در زمان سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷) هلندی‌ها توانسته بودند جزیره قشم را نیز برای کارهای بازرگانی و کشتیرانی خود بدست آورند.^۳ در این زمان شرکت هند شرقی هلند Dutch East India Company در بسیاری از نقاط ایران از جمله بندر عباس، لار و اصفهان نمایندگی‌های دائر کرده بودند. تجار هلندی در اغتشاشاتی که از اول قرن هیجدهم میلادی پس از مرگ نادرشاه در ایران بوجود آمده بود شرکت‌های تجار تی خود را در اصفهان، کرمان و بندر عباس بستند. در اواسط این قرن بصره مرکز تجار تی و دادوستد آنان در خلیج فارس شده بود.^۴

در سال ۱۷۵۳ بارون کنیپهاوزن^۵ Baron Kniphausen رئیس شرکت تجار تی هلند از بصره اخراج شد. دشمنان و رقیبان تجاری و سیاسی بارون کنیپهاوزن - بخصوص نماینده تجار تی انگلیس بنام الیس Ellis - که از مدت‌های پیش

۱- تاریخ روابط ایران با اروپا ۶-۱۰۵

2 - Iran unter Schah Abbas II, S. 75/History of Persia, Sykes II, 194.

3 - Sykes, II, P. 213; Malcolm, Sir John; The History of Persia, I, P. 587

۴- برای اطلاع بیشتر به کتاب ویلسن «خلیج فارس» Wilson, Arnold T: The Persian Gulf, P. 179 ff. مراجعه نمایید

۵- این نام گاهی بصورت نیفاوزن و یا نیف اوسن نیز آمده است.

مشغول توطئه برضدا و بودند باندازه ای از او نزد متسلم (حاکم) بصره بدگوئی کردند که نامبرده، وی، معاون و حسابدارش را در یازدهم ماه ژانویه ۱۷۵۳ بزندان افکند. بارون کنیهاوزن بالاخره بایرداخت مبالغه زیادی رشوه (۵۰۰۰۰ روپیه) موفق شد خود را از زندان بصره نجات داده توسط کشتی آن بندر را ترك نماید. پس از مدتی معاون و حسابدار کنیهاوزن نیز بایرداخت مبالغه (۳۰۰۰۰ و ۲۰۰۰۰ روپیه) توانستند بصره را ترك کنند.^۶

بارون کنیهاوزن پس از آزادی از بصره به بندر ریگ رفته باشیخ آن بندر میرناصر- که با گرمی تمام او را پذیرفت - مذاکره نموده از او اجازه گرفت تا در جزیره خارک اقدام بتاسیس ساختمان و انبارهای تجارتی بنماید. خارک در این زمان جزیره ای متروک و خالی از جمعیت بود و تنها صد نفر ماهیگیر فقیر ساکنین آنرا تشکیل میدادند.^۷

در این زمان چون وضع بنادر خلیج فارس در هم و پراشوب بود هر کسی بفکر خود مختاری بوده و اغلب با همسایگان خود در جنگ بود. حکومت جزیره خارک بواسطه نزدیکی با بندر ریگ در دست حاکم آنجا میرناصر بود.^۸ بنا بگفته نیبور که در ماه جون ۱۷۶۵ در این جزیره بوده و همه چیز را بچشم خود دیده است آنجا (در گذشته) پر از دزدان دریایی بوده و ساکنان بسیار کم آن در زیر ظلم و جور آنان بسختی زندگی مینمودند. بعقیده نیبور علت آنکه

6— A Chronicle of the Carmelites in Persia... I, P. 689 f./Niebuhr. Reisebeschreibung... II, S. 181f./Wilson 180/Malcolm, Sir John, The History of Persia, II P. 144/Kelly, Britain and the Persian Gulf, P. 54.
7— Malcolm II, P. 145/Hilson, P. 180/Parson, P. 192.

۸- مؤلف محترم کتاب «تاریخ زندیه» حکومت جزیره خارک را متعلق به حاکم بوشهر دانسته و چنین نوشته اند: «... بارون با دو کشتی جنگی از با تاویا حرکت و در سال ۱۷۵۵ (۱۱۷۰ هجری) به آسانی جزیره خارک را تصرف کرد. حاکم بندر بوشهر که جزیره خارک در قلمرو حکومت او بود پس از مقاومت مختصری تسلیم شد...» تاریخ زندیه س ۲۴۹. ولی بنده تا کنون به هیچ منبع و مأخذی که در این باره چنین گزارشی داده باشد برخورداده ام.

ساکنان خارك فراز را برقرارتر جیح داده بودند و وجود همان دزدان دریائی بوده است با وجود آنکه جزیره نامبرده دارای آب آشامیدنی گوارا و قناتی بزرگ و خاک حاصلخیزی بوده است.^۹

وضع جغرافیائی جزیره خارك که تقریباً ده کیلومتر درازا و چهار تا پنج کیلومتر عرض دارد (شکل ۱) طوری است که مسلماً از دورانه‌های باستانی مورد توجه بوده است.^{۱۰}

کنیپهاوزن پس از آنکه توانست نسبت به بنای تجارخانه و ساختمان انبار

9- Niebuhr, II, S. 202

۱۰ - منابع تاریخی که ذکری از جزیره خارك کرده‌اند قدیم‌تر از سده اول پیش از میلاد نیست. بنا به عقیده پرفسور گیرشمن: «جزیره میبایست از سه هزار سال پیش از میلاد مسیح جزو قلمرو کشور عیلام بوده باشد زیرا بنا کشتی بادی فقط سه یا چهار ساعت با بوشهر، بندر مهمی که در کرانه ایرانست، فاصله دارد و قلمرو عیلام که شوش پایتخت آن بود تا باین قسمت خلیج فارس می‌رسید...» (« جزیره خارك» نشریه شرکتهای عامل نفت ایران چاپ دوم تهران ۱۳۴۲ ص ۶). پلین Pline نویسنده رومی که در سده اول میلادی میزیسته این جزیره را بنام آراکیا Aracia خوانده که میتوان در آن ریشه واژه خارك را یافت. کلود پتولمه Claude Ptolémée که یک قرن بعد از این نویسنده رومی میزیسته او هم نام جزیره آراکیا را برده و بدان نام دیگری یعنی «جزیره اسکندریه» هم داده است. سترابون Strabon نویسنده سده اول پیش از میلاد میگوید: «آندرتسن Androsthene de Thasos - یکی از سرداران اسکندر که فرمان تئارک Néarque مأمور کشفیاتی در خلیج فارس شده بود انتهای خلیج را دور زد و همچنانکه پیش میرانند و خشکی در جانب راست وی بود به جزیره ایکار Icare نام رسید. او در این جزیره معبد آپولو Apollon و یکی از هائفان آرتمیسی توروپل Arthémis Tauropole را یافت (همان منبع و همان صفحه). با ذکر مشخصات فوق میتوان پنداشت که جزیره‌ای که آندرتسن دور زده همان جزیره خارك (ایکاریوس) بوده که در نوشته‌های سترابون تغییر شکل داده است.

برای اطلاع بیشتر در باره سابقه تاریخی و باستانی جزیره خارك به کتاب «جزیره خارك» و سفرنامه نیبور Niebuhr و همچنین کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب چاپ تهران ۱۳۴۰ ص ۲۰ مراجعه نمایید.

و غیره نظر شیخ ناصر را^{۱۱} جلب نماید؛ به یکی از شعبات شرکت هند شرقی هلند که در بوشهر بود رفته از آنجنانامه‌ای به یکی از همکاران خود **فان در اوست** Van der oust که در بصره اقامت داشت نوشته و دستور داد که حتی المقدور هر چه زودتر با سایر هلندیهای مقیم بصره به بوشهر آمده اداره امور کارهای مربوطه را بدست بگیرد. نامبردگان هنگامیکه قصد خروج داشتند توسط متسلم بصره دستگیر و زندانی شدند و چند ماه بعد توانستند بابت پرداخت مبالغی زیاد پول آزاد شده بصره را ترك کنند و به بوشهر بروند.^{۱۲}

در ضمن این جریانات **بارون کنیه‌هاوزن** به باتاویا Batavia رفته و پس از مذاکرات زیاد با رؤسای شرکت هند شرقی هلند، آنها را بانظر خود موافق نموده^{۱۳} سپس در اواخر ماه نوامبر ۱۷۵۳ میلادی (۱۱۶۷ هجری) همراه با سه کشتی به بندر ریگ بازگشته و بلافاصله در جزیره خارک مشغول بنای قلعه و ساختمانهای مسکونی و انبارهای بزرگ گردید.^{۱۴} (ش ۲)

جزیره خارک از این پس اهمیت زیادی پیدا کرده و با سرعت عجیبی توسعه یافت بطوریکه جمعیت یکصد نفری آن بزودی به ۱۲۰۰۰ نفر رسید.^{۱۵} پس از آنکه قلعه و برج و سایر استحکامات دفاعی جزیره خارک ساخته شد بارون کنیه‌هاوزن ب فکر تلافی اقتصادی به کشتی‌های دولت عثمانی که از خلیج

۱۱ - در بعضی از منابع نام این شخص را «میر ناصر» نیز گفته‌اند. (از جمله نیپور)

12— A Chronicle of..., P. 692

13— Niebuhr II, Sè 182/Malcolm II, P. 144—5/Parsons, P. 180/Milson, 180

14— Niebuhr, II, 182/A Chronicle..., P. 692/Malcolm II, P. 145/Wilson, P.

180/Shepherd, Killiam Ashton, from Bomba to Bushire and Bussora,

P. 161

متأسفانه آثاری از این بناها دیگر باقی نمانده است چون در سالهای مابین ۱۲۹۳ و ۱۳۰۴ سنگهای آن بناها را به بصره و آبادان و گناوه حمل کرده‌اند (نقل از کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس ص ۹۳)

15— Malcolm II, 145—6/Wilson, P. 180

فارس گذشته و بسوی بصره میرفتند حمله کرده مزاحمت آنها را فراهم میآورد. در ضمن این حملات یکبار توانست دو کشتی پراز کالاهای تجار تی را که متعلق به بازرگانان بصره بود توقیف کند. بارون کنیپهاوزن پس از بدست آوردن آن دو کشتی دستور داد، بادبانها و پاروهای آنها را بردارند تا از ادامه حرکت آنها جلو گیری شود. سپس **صالح چلبی** ناخدای آن کشتی ها را به بصره روانه نموده به متسلم بصره پیغام داد که تا پولهایی را که وی بزور از او و سایر هلندیها گرفته است، پس ندهد، کشتیهای توقیف شده - که دارای کالاهای فراوان و گرانبها بودند- آزاد نخواهند شد. بدین ترتیب متسلم بصره ناچار شد پولهایی را که اخاذی کرده بود پس بدهد.^{۱۶} وضع اقتصادی و آبادانی جزیره خارک از این پس بیشتر توسعه یافته و بسبب امنیتی که در آنجا برقرار شده بود همه تجار اروپائی و آسیائی مالالتجاره های خود را در انبارهای متعدد آن نگهداری مینمودند. دوران آرامش جزیره خارک دیری نپائیده با پیداشدن سروکله **میرمهنا**ی **زعابی** پسر شیخ ناصر حکمران بندر ریگ، دچار کود گردید. **میرمهنا**، که از معروفترین دزدان دریائی آن زمان بشمار میرود، برای رسیدن بحکومت و قدرت، بایر حمی هر چه تمامتر پیر و برادران خود را نابود نموده بود.^{۱۷}

16— Niebhur II, S. 182/A Chronicle..., P. 692--3/Malcolm II, 145

۱۷- تاریخ کیتی گشای نامی ص ۱۶۱/ گلشن مراد نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران برگ ۸۵ الف/ آتشکده آذر ص ۳۷۲/ روضة الصفای ناصری ج نهم ص ۸۲ و همچنین:
A Chronicle..., P. 670/Parsons, P. 194/Low, Charles R. : History of the Indian navy..., P. 162

بنابر گزارشی که نماینده هند شرقی انگلیس مقیم گمبرون (بندر عباس) در تاریخ سوم اوت ۱۷۵۴ برای رؤسای خود ارسال داشته است چنین اظهار نموده که: **میر ناصر شیخ بندر ریگ** چندی پیش بدست پسرش **میرمهنا** کشته شده است. در این گزارش علت قتل **میر ناصر** چنین بیان شده که وی یکی از زنان گرجی پسرش **میرمهنا** را به بارون کنیپهاوزن تسلیم کرده است. نماینده مزبور ضمناً اظهار عقیده کرده میگوید «ممکن است این شایعه بسبب دشمنی ای که مردم نسبت به هلندیها دارند بر سر زبانها افتاده باشد»

A Chronicle..., P. 670

چندی بعد میان بارون کنیهاوزن و میرمهنا اختلاف افتاده وی قرارداد میان هلندی‌ها و پدرش شیخ ناصر را نپذیرفته از آنها ادعای مالیات و اجاره بهای جزیره خارک را مینمود. این اختلاف مدتها ادامه داشت تا بسال آخره بارتفن بارون کنیهاوزن و آمدن شخصی دیگر بنام فان در هولست - Van der Hulst کار بمصالحه و دوستی کشید. بدین ترتیب جزیره خارک تا سال ۱۷۵۹ میلادی (۱۱۷۳ هجری) تنها مرکز تجاری هلندیها در خلیج فارس بود.^{۱۸} از سال ۱۷۶۵ (۱۱۷۹ هجری) جنگهای جدیدی در منطقه خلیج فارس بوقوع پیوست که باعث آن همان میرمهنا می‌معروف بود. رئیس شرکت هلندی و فرمانده جزیره خارک در این زمان یکنفر هلندی بنام بوشمن Buschmann بود.^{۱۹} وی مدت زمانی بود که بجای فان در هولست رئیس قبایلی بدانجا فرستاده شده بود. فان در هولست در زمان ریاست خود مدتها با متنفذین محلی خلیج فارس در زد و خورد بوده و آنچنانکه باید و شاید از عهد رتق و تقق امور بر نمی‌آمد و احتمالاً بهمین سبب هم رؤسای شرکت هند شرقی هلند در باتاویا اورا از کار برداشته بوشمن را بجای وی منسوب نموده بودند. بوشمن پسر یکی از روحانیان و مبلغین معروف هلند بود که در شرکت هند شرقی هلند در باتاویا مشغول انجام وظیفه بوده.^{۲۰}

این شخص برخلاف رؤسای پیشین با شدت عمل و کوشش فراوان مشغول کار شده و در ساختن برج و باروی قلعه جزیره و نصب توپهای قوی و دورزن اقدام نموده خود را برای دفاع در مقابل هر گونه حمله آماده کرده بود.

18- Wilson, P. 180—1

19- Niebuhr, II, S. 183

۲۰ - نیبور که مدت‌ها در قلعه جزیره خارک میهمان بوشمن بوده است دربارهٔ وی مینویسد که وی پیش از ترک هلند به غیب گویان مراجعه نموده آنها باو گفته بودند که قبل از رسیدن به سن چهل سالگی خواهد مرد. بدین سبب این جوان برای فراموش کردن غم و غصه خود دست بدامن شراب‌زده و اغلب در حال مستی بسر میبرد. نیبور در جای دیگر از پشتکار و فعالیت زیاد وی نیز یاد میکند.

Niebuhr II, S. 183

چندی از آمدن بوشمن نگذشته بود که میرمهنا عده‌ای از سرداران خود را برای گفتگو در امر مهمی به جزیره خارک فرستاد. بوشمن بمحض ورود آن عده، سر بازان و هلو انان را بدیست هایشان فرستاده سپس محض احتیاط فقط تعداد محدودی از سرداران میرمهنا را بداخل سالن پذیرائی خود راه داد. بوشمن بلافاصله پس از گفتگوهای لازمه دیوارهای بلند و توپهای قوی قلعه را به آنها نشان داده گوشزد نمود که هلندیها با کمال قدرت قادر بدفاع از جزیره خارک میباشند. بطوریکه نیبور - که خود شاهد جریان بوده - گزارش میدهد، در ضمن این بازدید نماینده سرداران نامبرده دست بشانه بوشمن نهاده بوی چنین گفته: «اگر بگذاری این قلعه را از تو بگیر ندلیاقت حکمرانی نداری»^{۲۱}

پس از این واقعه رابطه میان میرمهنا با هلندیهای مقیم خارک عادی بوده و بدان سبب تجار هلندی با کمال آسودگی مشغول تجارت شده و روز بروز بر ثروت خود میافزودند.

بنا بگفته نیبور، کریم خان زند نیز یکبار از هلندیها مطالبه مالیات نموده بود ولی بواسطه زدوخوردهای داخلی این موضوع را بدست فراموشی سپرده^{۲۲} و یاشاید آنرا مو کول به آئینده نموده بود.

در همین اوقات میرمهنا بواسطه راهزنیهایی که در راه کاروانروی میان بوشهر و شیراز و نواحی بندر ریگ مینمود مورد حمله سپاه کریمخان زند قرار گرفته بود. سردار این سپاه، امیر **گونه خان افشار**، با سر بازان خود بدطرف بندر ریگ حمله کرده **شیخ سعدان**^{۲۳} حاکم بندر بوشهر نیز با کشتیهای خود از راه دریاعازم سر کوبی میرمهنا گردید. میرمهنا خود را برای دفاع آماده نمود ولی عده‌ی زیادی از ساکنان بندر ریگ و حتی مقداری از سر بازان وی از ترس

21- Niebuhr II, S. 182-3

22- Niebuhr II, S. 184

۲۳- در کتاب نیبور و کرونیك كارملیت‌ها همه جا بجای شیخ سعدان «شیخ ناصر»

فراری شده بطرف جزیره خارک رفتند. هلندی‌ها بادر نظر گرفتن سیاست وقت از ورود آنها جلوگیری بعمل آوردند چون در صورت پذیرفتن و راه دادن آنها دولت ایران رانسیت بخود بدین نموده و بازار خوب تجارتی آن از دستشان خارج میشد. از طرف دیگر از ورود آن عده بداخل قلعه ترس داشتند و میدانستند که بمجرد قبول آنها در درون قلعه راه نفوذ میرمهنا را باز خواهند کرد. فراریان ناچار بطرف بندر ریگ باز گشتند. در این زمان حلقه محاصره سپاهیان دولتی لحظه بلحظه به بندر ریگ نزدیکتر میشد. میرمهنا خانواده و نزدیکان خود را سوار بر کشتی کرده و باهمراه نمودن مقدار کافی خواربار و مایحتاج زندگی آنها را بجزیره خارک^{۲۴} فرستاد.

سپاهیان دولتی بزودی به بندر ریگ رسیده و کار را بر اهالی آن تنگ نمودند. عده زیادی از سربازان میرمهنا که دفاع را بی نتیجه میدانستند وی را ترک کرده به سپاهیان دولتی پیوستند. میرمهنا ناچار در روز اول جون ۱۷۶۵ کلیه اموال خود را برداشته با پنج گالیوت Galliot^{۲۵} و ۱۲ کشتی کوچکتر (باطیل) و تعدادی قایق بندر ریگ را ترک کرده روانه جزیره خارک گردید.^{۲۶}

سه روز پس از فرار میرمهنا یعنی در ۴ جون، شیخ سعدون تعدادی کشتی پر از سر باز که یکی از آنها بفرماندهی یک نفر انگلیسی بنام ناتر Natter هدایت میشد برای سرکوبی میرمهنا بدریا فرستاد. نماینده بازار گانی انگلیس هم بیک کشتی جنگی بفرماندهی کاپیتان پرایس Price همراه آنان فرستاد. در حین جنگ با میرمهنا بواسطه اختلافی که میان این کاپیتان و بسرجوان شیخ

کتابخانه مدرسه فطریه قم

۲۴- این جزیره بی آب و علف و بدون جمعیت در نزدیکی جزیره خارک قرار دارد و مسافت آن تا کرانه تقریباً ۳۰ کیلومتر و طول آن ۴/۵ کیلومتر و عرض آن ۷۰۰ متر میباشد.

۲۵- نام کشتی های بلند و باریک توپ دار تجارتی در قرنهای ۱۷ و ۱۸ میلادی

۲۶- تاریخ گیتی گشا ص ۱۶۲ / فارسنامه ناصری ج اول ص ۲۱۶ / روضة الصفا ج نهم

۸۳ و همچنین Niebuhr II, S. 180, 185/Low. P. 162

سعدون رخ داد کارشان بمشاجره و نزاع کشیده ۲۷ بدون هدف معین در اطراف جزیره خارک و خار کو مانور میدادند و طرفین مخصوصه گاهگاهی بطرف یکدیگر شلیک مینمودند. این جریان در حدود دو هفته بطول انجامید و در این مدت کشتیهای شیخ سعدون و انگلیسها در کنارههای جزیره خارک لنگر انداخته بودند. بوشمن که از توقف ممتد آنان در ساحل خارک نگران شده بود نیمه شبی فرمان داد که توپهای ۱۸ پوندی قلعه را آتش داده و چندین گلوله شلیک کردند. صبح روز بعد کشتیهای مزبور فرار را برقرار ترجیح داده کرانههای جزیره را ترك کردند. یکی از نمایندگان انگلیسی بنام جرویس Jervis که از همکاری شیخ بوشهر مأیوس شده بود کوشش نمود تا شاید بتواند هلندیها را برای سرکوبی میرمهنا با خود همراه کند ولی بوشمن مانند گذشته از همکاری آنان شانه خالی نمود. جریان جنگ بسا میرمهنا بزودی خاموش شده و بصورت جنگ و گریز در آمده بود تا آنکه بالاخره پسر شیخ بوشهر بواسطه تمام شدن آذوقه و دیر رسیدن حقوق سربازان و ملوانان ناچار بمبار گشت گردید. کشتی جنگی انگلیسی هم پس از تحمل خسارات زیاد از ادامه جنگ خسته شده بدون گرفتن نتیجه میدان را ترك نمود. ۲۸

هلندیهای مقیم جزیره خارک در این زمان ناظر جریانات بوده و بطوریکه بدان اشاره شد حتی المقدور خود را از شرکت دادن در آن نزاعها دور نگه میداشتند. وضع دفاعی جزیره خارک کاملاً خوب و مجهز بود. قلعه محکم آن جزیره توسط صد نفر سرباز محافظت میشد. علاوه بر آن در حدود ۵ تا ۶ نفر ملوان هم در کشتیهای بزرگ جنگی هلندی (گلیوت) که مجهز بتوپهای بسیار قوی بودند خدمت کرده و در سواحل جزیره آماده دفاع بودند. ولی در این زمان رهبر و فرمانده خوبی که بتواند این سربازان و ملوانان را تحت

فرمان خود در آورده نظمی برقرار سازد وجود نداشت. تنها افسر باتجربه‌ای که در قلعه وجود داشت چندی پیش مرده بود. در این اوان شرکت هند شرقی هلند بوشمن را به باتاویا خوانده و بجای او شخصی بنام فان هوتینگ Van Houting را بدانجا اعزام نموده بود. رئیس جدید در ۲۲ جولای آنسال (۱۷۶۵) به جزیره خارک رسیده اداره امور قلعه و بازار گانی هلند را بدست گرفت. فان هوتینگ برای سرپرستی و رهبری سربازان و امور حفاظتی جزیره خارک یک افسر جوان با خود آورده بود ولی این افسر بنا برگفته نیبور هیچگونه تجربه نظامی نداشته و تا آن زمان حتی یکبار هم در جنگ شرکت نکرده بود. بهمین جهت هم سربازان به فرامین و دستورات وی اعتنائی نمی نمودند. باین وصف اوضاع داخلی قلعه خارک کم کم در اثر ناشی‌گری و عدم اطلاع رهبران تازه کار رو بخامت نهاد. میرمهنا نیز پس از بازگشتن کشتی‌های شیخ بوشهر و رفتن کاپیتان پرایس به هندوستان میدان را خالی دیده مشغول جلوگیری از کشتیهائی که عازم جزیره خارک بودند شد. باید در نظر داشت که میرمهنا برای بقای خود مجبور به اینگونه اعمال بود چون وضع زندگی وی و فامیلش در جزیره بی آب و علف خارکو گرفتار پریشانی شده بود. حال مزاجی خود او نیز چندان رضایت بخش نبود. از مدت‌ها پیش یک چشم خود را از دست داده و در این اواخر در اثر هوای بسیار گرم جزیره خارکو مبتلا بچشم درد گردیده نزدیک بود بینائی چشم دیگر خود را نیز از دست بدهد از همه بدتر گاو و گوسفندی که جهت تغذیه خود و سربازانش همراه آورده بود بواسطه نبودن علف یکی پس از دیگری تلف میشدند. لذا تنها راه چاره وی دسترسی به جزیره خارک بود چون بازگشت وی به بندر ریگ هم - بواسطه اشغال آن توسط امیر گوننه خان افشار - غیر ممکن بود. هلندیها چون از جسارت و شهامت میرمهنا اطلاع کافی داشته و از او بیمناک بودند ب فکر یساقتن همدست افتاده باشیخ بوشهر تماس گرفته برای سرکوبی میرمهنا از وی کمک خواستند.

متحدین جدید یعنی هلندیها و شیخ بوشهر متفقاً کشتیهای خود را آماده کرده در ماه اکتبر آنسال بسوی جزیره خارکو حمله بردند. در یورش اول که بطور ناگهانی صورت گرفت موفق شدند چند کشتی میرمهنا را از کار بیاندازند و بلافاصله به جزیره خارکو پیاده شوند. متحدین نامبرده بمحض ورود به جزیره در اثر بی نظمی و اختلاف عقیده از هم جدا شده و بقولسی کار اختلافشان بالا گرفته با یکدیگر به زد و خورد مشغول شدند. میرمهنا که در نقطه ای کمین کرده بود از موقع مناسب استفاده کرده بسرعت بی سابقه ای بدانها حمله کرده عده بیشماری از آنان را از دم تیغ گذرانید. تنها چند نفر توانستند بدریا زده و جان خود را نجات دهند.^{۲۹}

پس از این پیروزی میرمهنا با کلیه سربازانش به قلعه خارک حمله کرده و از غفلت هلندیها و اوضاع مغشوش و درهم درون قلعه استفاده کرده در شب ژانویه ۱۷۶۶ (زمستان ۱۱۸۰ هجری) جزیره و قلعه خارک را بتصرف خود در آورده انبارهای پر از کالاهای تجارتهای و گرانبها و یولهای نقد (۳،۰۰۰،۰۰۰ روپیه) هلندیها را با اضافه کشتیهای کوچک و بزرگ شرکت هند شرقی هلند را که در کنارهای خارک لنگر انداخته بودند تصاحب نماید.^{۳۰}

درباره تصرف جزیره خارک بدست میرمهنا عقیده های مختلف بیان شده است. از جمله پارسونس اظهار میدارد: «میرمهنا با خدعه و نیرنگ رؤسا و افسران هلندی قلعه خارک را نزد خود بمیهمانی دعوت کرده و بمحض ورود آنها را توقیف نموده مجبور کرد تا نامه ای به محافظان هلندی قلعه خارک نوشته دستور دهند دروازه قلعه را بروی سربازان میرمهنا باز کرده آنجا را تحویل دهند»^{۳۱}

نیپور عقیده دارد که پیروزی میرمهنا (گذشته از موقع شناسی و شجاعت

۲۹ - تاریخ گیتی گشا ص ۱۶۳ و همچنین:

A Chronicle..., P. 667/Niebuhr II, S. 190-195

30—Niebuhr II, S. 196/A Chronicle..., P. 667/Kelly, John B., Britain and the Persian Gulf, P. 54/Wilson, P. 181/Malcolm II, P. 136

و همچنین کتاب بندر عباس و خلیج فارس نوشته سدیدالسلطنه کبابی ص ۶۲۷

31—Parsons, P. 193

وی) بواسطه خیانت یکی از ایرانیان ساکن قلعه بوده است ۳۲ .
اسقف کارنلیوس Bishop Cornelius یکی از روحانیون کارملیت در نامه مورخ ۱۱ مارس ۱۷۶۶ که بکار دینال پرفکت Kardinal Perfect نگاشته چنین گزارش میدهد :

«پس از آنکه میر مهنا جزیره خارک را بمدت ۹ روز در محاصره داشت هلندیها بدون هیچگونه دفاع و مقاومتی تسلیم شدند . میرزا احسن فسائی شرح این ماجرا را بنحودیگری بیان کرده مینویسد که هلندیها باشلیک توپ از خود دفاع کردند ولی میر مهنا موفق شد باشجاعت قلعه را تسخیر نماید. ۳۳ در هر حال ، میر مهنا پس از ورود به قلعه بزرگواری کرده هلندی هارا از کشتن معاف داشته بدانها اجازه داد که تنها با لباس خود و آنچه بر پشت خود میتوانند حمل کنند جزیره را ترک نمایند . وی گذشته از کالاها واموال زیادی که بدان اشاره شد تعداد ۲۰۰ توپ و انبار مهمات و باروت قلعه را که متعلق به هلندیها بود نیز بدست آورد .

هلندیها پس از این شکست دیگر کوششی برای تجدید بنای ساختمانهای تجارتی و تأسیس شرکت های بازرگانی نکرده کناره گیری نمودند و بدین ترتیب از آن به بعد به تجارت هلند در خلیج فارس پایان داده شد. ۳۴

پس از آنکه میر مهنا در جزیره خارک مستقر گردید شروع به دست اندازی به کشتی های تجارتی، که در خلیج فارس رنژت و آمد داشتند ، کرده و مزاحمت زیادی برای همه ایجاد مینمود . حکومت میر مهنا در جزیره خارک و یا خلیج فارس بیش از چندی طول نکشیده دوامی نیافت و بزودی در اثر محاصره آن جزیره توسط سربازان دولتی ایران بفرماندهی زکی خان زنده میان همراهان میر مهنا با او بهم خورده سبب فرار وی گردید. ۳۵

32-Niebuhr II, S. 196

۳۳- فارسنامه ناصری ج اول ص ۲۱۶

34- Wilson, P. 181 A Chronicle o . . . , P. 667

۳۵- برای کسب اطلاع بیشتر به مقاله اینجانب در مجله بررسیهای تاریخی شماره

۲ سال ششم ۲۹۰۰ مراجعه فرمائید.

منابع و مأخذ

۱ - کتابهای فارسی :

آتشکده آذر ، لطف علی بیگ بیگدلی آذر ، چاپ سنگی ، بمبئی
۱۲۷۷ (۱۸۶۰)

بحرین و مسائل خلیج فارس ، جهانگیر قائم مقامی ، تهران ۱۳۳۵
بندرعباس و خلیج فارس ، سدید السلطنه (کبابی) چاپ تهران ۱۳۴۲
تاریخ زندیه ، دکترهادی هدایتی ، چاپ تهران ۱۳۳۷
تاریخ گیتی گشا ، میرزا محمد صادق نامی ، تهران ۱۳۱۷
جزیره خارک ، نشریه شرکتهای عامل نفت ایران ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۴۲
حدود العالم من المشرق الی المغرب ، چاپ تهران ۱۳۴۰
روضه الصقای ناصری ، رضاقلی خان هدایت : قم ۱۳۳۹ (جلد نهم)
فارسنامه ناصری ، حاجی میرزا حسن فسائی : تهران ۱۳۱۳
تاریخ روابط ایران با اروپا نصرالله فلسفی

۲ - کتابهای آلمانی و انگلیسی

A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission
of the XVIIth and XVIIIth centuries, Vol , I, II , London 1939.
Kelly, John B . :
Britain and the Persian Gulf, Oxford 1968 .
Low, Charles Rathbone :
History of the Indian navy 1613-1863, London 1877, I. Ed.
Luft, Paul:
Iran unter Schah Abbas II, Diss. , Goettingen 1968
Malcolm. Sir John .
The History of Persia, London MDCCCXV, Vol . II
Niebuhr, Carsten:
Reisebeschreibung nach Arabien und andern umliegenden
Ländern, Kopenhagen 1774, I. Bd.

Parsons, Abraham :

Travels in Asia and Africa, London 1808

Sykes, Sir Percy :

History of Persia, Vol.II, London 1958

Shepherd, William Ashton:

From Bombay to Bushire and Bussora, London 1857

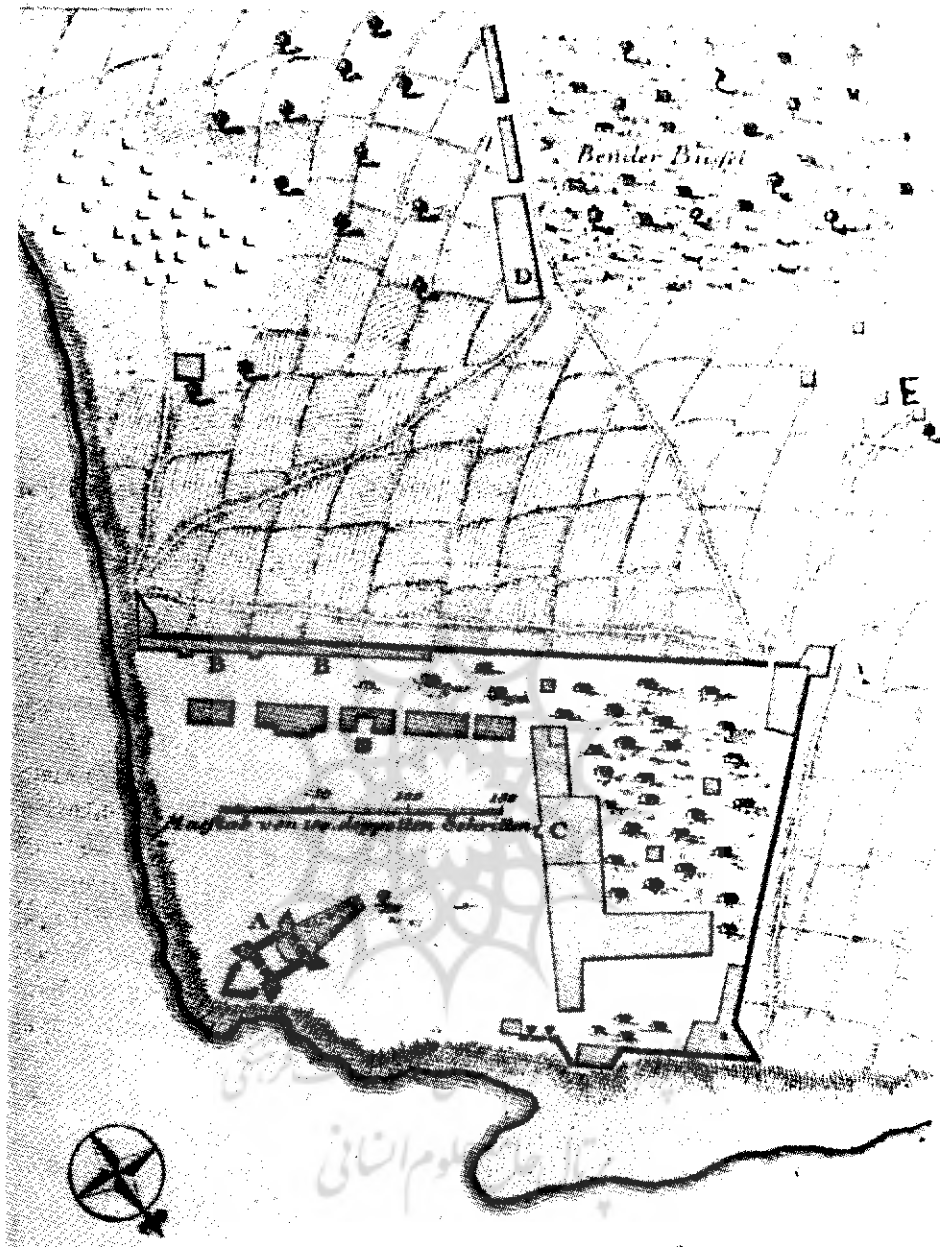
Wilson, Arnold T. :

The Persian Gulf, Oxford 1928





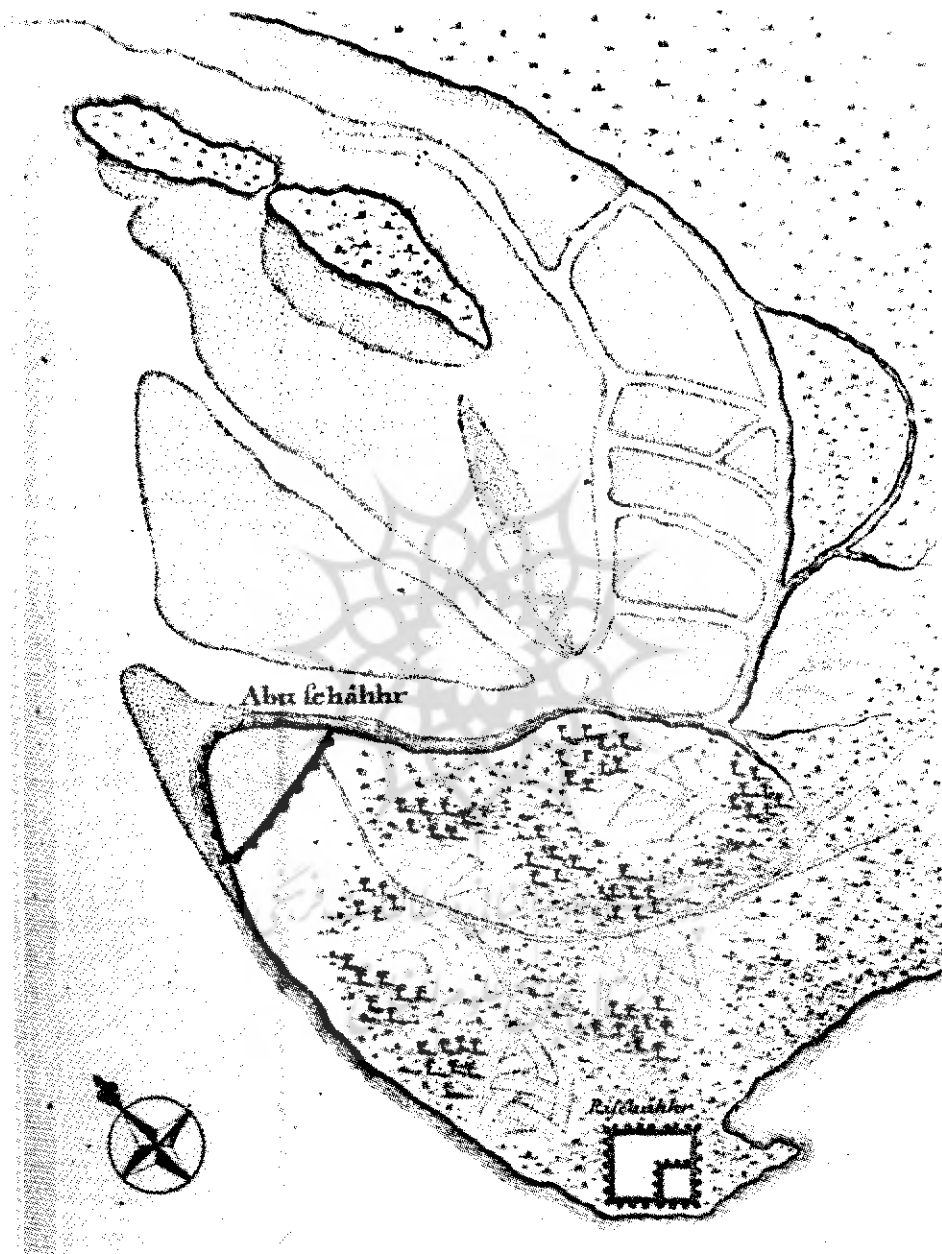
(شکل ۱)



(شکل ۲) نقشه ترسیمی نیبور و توضیحاتی در باره آن :

- A = قلعه و خانه مسکونی حکمران جزیره که توسط بارون کنیهاوزن ساخته شده
- B = انبارها
- C = کاروانسرای و خانه های کارمندان و خدمتگزاران
- D = کلیسای آرامنه

E = نماز خانه کوچک متعلق بگروهی از مردم افریقا که بعنوان برده در خارک کار میکردند این گروه - که نیبور آنها را Kafrs (شاید کافر؟) نامیده این نمازخانه را برای پرستش معبود خود ساخته بوده اند .



بنادر بوشهر

(شکل ۳)